

تحلیل تصاویر و نقش آنها در انتقال پیام متن در کتاب فارسی ۳ (پایه دوازدهم)

دکتر علی اکبر کمالی نهاد

استادیار آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تهران

alikalami_1386@yahoo.com

دکتر محمدرضا پاشایی

استادیار آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تهران

محمد طاهری

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فرهنگیان

پردیس شهید مفتاح شهرری

چکیده

از ابتدای آفرینش، بشر با حواس پنجگانه خود به خصوص قدرت بینایی اش روزبه‌روز به شناخت بیش‌تری از محیط پیرامونش دست یافته و در طول اعصار مختلف به دنبال انتقال دانش و تجربیات خود به نسل‌های بعد بوده و در این راه از شیوه‌هایی مثل انتقال شفاهی اطلاعات، تصویرنگاری و ابداع خط بهره برده‌است؛ اما با وجود ابداع خط، تصویرنگاری به حیات خود ادامه داد و به مکملی برای عنصر خط بدل شد. در عصر حاضر نیز که انتقال دانش اندوخته گذشتگان به نسل آینده به صورت تعریف شده و علمی در مدارس انجام می‌گیرد، تصاویر در کنار متن عهده‌دار این انتقال هستند. همراهی متن و تصویر اگر در راستای رساندن هرچه بهتر پیام متن درسی باشد، بازخورد مناسب‌تری در آموزش اطلاعات خواهد داشت؛ زیرا خود‌گویایی تصاویر، موجب می‌شود مفاهیم سریع‌تر از متن منتقل شوند. این پژوهش به بررسی کارکرد طرح و رنگ در انتقال پیام مورد نظر تصاویر کتاب فارسی دوازدهم به مخاطبان می‌پردازد و سعی دارد که با در نظر گرفتن نقاط قوت تصاویر در انتقال مفاهیم این کتاب درسی، نکاتی را که موجب برجسته‌شدن ارتباط بین متن و تصویر شده‌اند، شرح داده و موارد مغفول مانده را بیان نماید.

کلیدواژه: کتاب درسی، تصویر آموزشی، تحلیل تصویر، فارسی دوازدهم

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

۱. مقدمه

از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در رسانه‌های آموزشی، انتخاب سنجیده طراحی و جلوه‌های بصری آن‌هاست. طرح‌ها و تصاویری که کارکردهای گوناگونی چون ایجاد انگیزه در مطالعه، جلب توجه مخاطب به متن، تسهیل آموزش و... را بر عهده دارند. هماهنگی دقیق صفحه‌آرایی و تصویرپردازی با مطالب درسی، موجب نزدیک‌تر شدن کتب درسی به اهداف آموزشی می‌شود. بدیهی است عدم رعایت تناسب بین مطالب و تصاویر آموزشی متن، می‌تواند موجب سردرگمی مخاطبان این رسانه‌های آموزشی شود. پس رعایت مبانی و اصول تصویرپردازی و تناسب تصاویر با رویکردها و اهداف برنامه درسی، از مهم‌ترین اصول تدوین کتب درسی است و نقد میزان تناسب آنها با متن درس‌ها، رعایت هنری، کم و کیف تصاویر و موفقیت آنها در رسیدن به اهداف آموزشی دروس، به آموزش بهتر و مؤثرتر و تألیف کتاب‌های آموزشی مناسب‌تر کمک خواهد کرد. به علت جدیدالتألیف بودن کتاب فارسی دوازدهم و مهجور بودن بررسی ارتباط متن و تصاویر در پژوهش‌های مربوطه، گسترده‌گی مطالب ارائه شده در این زمینه محدود و انگشت‌شمار است و همین موضوع موجب کم‌توجهی دانش‌پژوهان به این حوزه شده است.

۱-۱ پیشینه بحث

درباره نقد و تحلیل محتوا، ساختار، سبک و شیوه ارائه مطالب و... در کتاب‌های درسی در پایه‌های مختلف، همه‌ساله نقدهای

متعددی از طرف صاحب‌نظران و منتقدان، بویژه دبیران منتقد نوشته می‌شود و برشمردن آنها خارج از حوصله این مقاله است؛ اما این نکته در زمینه کتاب نونگاشت فارسی ۳ (پایه دوازدهم) - که عمرش در نظام آموزشی به کمتر از دو سال می‌رسد - خصوصاً در موضوع خاص این مقاله که تحلیل تصاویر و نقش آنها در انتقال مفاهیم دروس است، تازگی دارد. درباره بحث نقش تصاویر آموزشی در کتاب‌ها، همایش‌ها و جشنواره‌هایی نیز برپا شده‌اند که از جمله آنها، اولین جشنواره تصویرسازی کتاب‌های درسی در تاریخ ۱۵ تا ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ در اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی و دیگری سی‌امین نشست نقد آثار تصویری کتاب‌های کودک و نوجوان، (اردیبهشت ۱۳۸۳) است که در سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده‌اند و مستندات و گزارش‌هایی از آنها موجود است.

در حوزه مقالات نیز برخی پژوهشگران به این حوزه توجه داشته و آثاری منتشر کرده‌اند؛ از جمله مقاله «نقش تصویر در کتاب‌های درسی و اصول طراحی آن» از محمد آرمند که در سال ۱۳۸۴ در مجله سخن سمت، شماره ۱۵، صص ۶۸-۵۹ به چاپ رسیده است. دیگر مقاله «آمیزش تصویر و روایت» از علی اکبر کمالی‌نهاد که در سال ۱۳۹۰ در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، شماره ۹۲، صص ۴۱-۴۰ به چاپ شده است. گروهی از مؤلفان نیز در سال ۱۳۸۳ مقاله «ویژگی‌ها و اصول تصویرگری کتاب آموزشی» را در دفتر انتشارات کمک آموزشی، شماره ۲۶، صص ۳۷-۱ منتشر کرده‌اند. آقایان احمد جعفری و مظاهر آذربی نیز در همایش تحلیل کتب درسی فارسی و آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه‌های هفتم و هشتم در سال ۱۳۹۴، در اراک، مقاله‌ای با عنوان «نقد تصاویر کتاب فارسی هفتم (بخش‌های پنج، شش و هفت)» ارائه کرده‌اند؛ اما به دلیل تازه‌تألیف بودن کتاب فارسی ۳ و کم‌بودن پژوهش‌ها در مورد نقش تصویر در آموزش، نقادی از لحاظ تحلیل تصویرها بر این کتاب زده نشده است.

۲. تصویر و شاخصه‌های آن

ما انسان‌ها در طول زندگی به وسیله حواس پنجگانه‌مان قادر به شناخت و درک محیط پیرامونمان هستیم و در این میان ۷۵٪ داده‌های شناختی ما بر پایه حس بینایی شکل می‌گیرد. با توجه به پژوهش‌های یادسپاری (مخروط تجربی ادگار دیل)، کمترین میزان یادسپاری از طریق خواندن و شنیدن حاصل می‌شود و به صورت دقیق‌تر تنها ۱۰٪ آنچه را که خوانده‌ایم و ۲۰٪ آنچه را شنیده‌ایم، به یاد می‌آوریم. (قدوسیان، ۱۳۸۱)



و برای جبران این بازدهی پایین در خواندن و شنیدن صرف می‌توان از تصاویر درسی برای کدگذاری بهتر حافظه بهره‌برد؛ زیرا دریافت پیام ظاهری تصاویر برخلاف نقوش نوشتاری، نیازی به آموزش و فراگیری مخاطب ندارد و وجود رنگ‌ها و حالات مختلف شخصیت‌ها یا اشکال حاضر در تصویر و... به صورت طبیعی و بعضاً ناخودآگاه پیام‌های گوناگونی را منتقل می‌کنند و از بزرگ‌ترین مزیت‌های استفاده از تصویر، زبان جهانی و مشترک تصویری در بین اکثر انسان‌هاست که پیام آن بدون طی کردن دوره‌های آموزشی و تنها با زندگی در جامعه انسانی قابل درک و دریافت است. تصاویر در کتاب‌های آموزشی نقش‌های گوناگونی را برعهده دارند:

- ۱- نقش عاطفی: افزایش دادن علاقه و انگیزه؛
- ۲- نقش جلب توجه: جهت‌دادن و جلب توجه فراگیر؛
- ۳- نقش آموزشی: تسهیل یادگیری؛
- ۴- نقش حمایتی: افزایش یادگیری در خوانندگان کم‌توان؛

۵- نقش یادسپاری مطالب: تسهیل در یادآوری مطالب پس از دوره‌ای طولانی. (آرمند، ۱۳۸۴: ۶۱)

هر چند از میان این نقش‌ها، طراحان کتاب‌های درسی در مجموع به نقش آموزشی توجه بیش‌تری نشان می‌دهند، اما میزان تأکید بر نقش‌های دیگر با توجه به سن مخاطبان و محتوای کتاب‌هایشان قابل تغییر است. در کتاب‌هایی هم‌چون: جغرافیا، زیست و... که بیش‌تر با علوم عینی سروکار دارند، به دلیل تکیه بیش‌تر بر جنبه‌های آموزشی تصاویر، عرصه بر نقش‌های دیگر تصویر تنگ‌تر می‌شود و بالعکس در کتاب‌هایی نظیر: فارسی و نگارش که بیش‌تر به دنبال انتقال علوم ذهنی هستند، می‌توان مجال بیش‌تری به نقش‌های دیگر تصویر سپرد؛ ولی در استفاده از عکس و تصویر نیز محدودیت‌هایی هم‌چون: هزینه‌بر بودن تهیه و سفارش تصاویر، تنگناهای چاپ در زمینه رنگ و کاغذ و محدودیت صفحات در اندازه و تعداد آن‌ها، قیدهایی را در مقابل تصویرگران کتاب‌های درسی قرار می‌دهد.

تصاویر کتاب‌های درسی به علت جنبه آموزشی و عمومی این کتاب‌ها، از اهمیت و حساسیت بیش‌تری برخوردارند و به همین دلیل برای انتخاب این تصاویر نکات زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

- ۱- هم‌خوانی با اهداف، محتوا و شیوه‌های آموزشی؛
- ۲- توانایی انتقال پیام مورد نظر؛
- ۳- انطباق با ویژگی‌های یادگیرندگان؛
- ۴- عملی بودن از نظر توجیه اقتصادی؛
- ۵- کیفیت خوب و هنری بودن آن؛
- ۶- برانگیختن و واداشتن یادگیرندگان فعالیت‌ها.

در کتاب‌های آموزشی، تصاویر صرفاً جنبه تزئینی ندارند؛ بلکه به یک هدف مهم آموزشی بدل شده‌اند و در این میان برای دروسی چون ادبیات که دارای مفاهیم و ماهیت انتزاعی است، یاریگران بسیار مطلوبی به حساب می‌آیند و در این‌گونه درس‌ها بیش‌تر بر جنبه‌های عاطفی و ایجاد انگیزه در تصاویر تکیه می‌شود.

در تصویرنگاری‌های کتاب‌های درسی می‌توان از دو گزینه تصویرنگاری و عکاسی بهره برد. که هر کدام از این موارد مزیت و کارکرد یا محدودیت خود را دارند. از مزیت‌های تصاویر ثبت شده با دوربین عکاسی می‌توان موارد زیر را نام برد:

- ۱- تهیه شدن تصاویر در کم‌ترین زمان (با استثنای سوژه‌های متغیر هم‌چون طبیعت)؛
- ۲- وجود فعالین متعدد در زمینه عکاسی حرفه‌ای؛
- ۳- پایین‌تر بودن هزینه‌های عکاسی.

اما حوزه عکاسی محدودیت‌هایی نیز دارد که تنها راه عبور از آن تنگناها و محدودیت‌ها، یاری گرفتن از طراحان است؛ از جمله:

- ۱- دشواری در ثبت مفاهیم انتزاعی با شیوه عکاسی؛
- ۲- دشواری در نشان دادن جزئیات پدیده‌ها؛
- ۳- عدم کنترل کامل سوژه‌های عکاسی.

در حوزه تصویرگری نیز شاهد موانعی نظیر زمان‌بر بودن تصویرگری، محدود بودن هنروران تصویرگر نسبت به هنر عکاسی، پرهزینه بودن تأمین وسایل مورد نیاز این عرصه هستیم.

یکی از مشکلات تصویرگران کتاب‌های درسی، تعیین و تعریف بودجه‌هایی است که برای تصویرگری کتاب‌های درسی در نظر گرفته می‌شود و آن‌ها را از رسیدن به نتیجه ایده‌آل باز می‌دارد. هر چند شاید در نگاه اول هزینه درخواستی بابت عکاسی یا مخصوصاً طراحی تصاویر برای کتاب‌های درسی زیاد به نظر برسد؛ ولی وقتی این هزینه با نسبت میلیونی مخاطبان اصلی این تصاویر - که دانش‌آموزان و سرمایه‌های بی‌بدیل آینده کشور هستند و نیز بازه زمانی چندین ساله حضور این تصاویر در کتاب‌های درسی سنجیده شود، نگاه منطقی‌تری نسبت به تأمین تصاویر درسی خواهیم داشت.

با ورود به عصر رایانه‌ها، بعضی از تصویرگران هم از حوزه سنتی خود به این حیطه پا نهاده‌اند؛ اما کماکان به دلیل نگاه ارزشی به هنر سنتی در میان عامه مردم، جایگاه اساسی خود را در خلق آثار هنری پیدا نکرده‌اند.

۳. تصویر و نقش آن در آموزش

توجه به تصاویر و صحنه‌ها از بدو خلقت انسان‌ها بر روی کره زمین قابل مشاهده است از انسان‌ها غارنشین تا کنون تصاویر

به علت جاذبه بصری خود همیشه محل توجه بوده‌اند و به علت زبان گویای تصاویر در بیان مطالب و سهولت انتقال معانی به این شیوه، در سیستم آموزشی نیز برای تصاویر نقش ویژه‌ای قائل شده‌اند.

تصویر به خاطر ماندگاری بیشتر در ذهن بینندگان و زبان مشترک آن در اغلب جوامع، قابل اکتفا‌ترین عنصر برای آموزش معانی مختلف در حوزه‌های گوناگون هستند و با پررنگ‌تر شدن این عنصر آموزشی در عصر حاضر، به خالقان این عنصر هنری نیز التفات ویژه‌ای شده است و دریچه تازه‌ای به روی آثار هنری گشوده شده است که از دید این دریچه تنها معیار سنجش یک تصویر، صاف یا منحنی بودن طرح و رنگ و لعاب تصویر نیست؛ بلکه همه این موارد در دایره جنبه آموزشی و انتقال مفاهیم آن سنجیده می‌شود.

پس از تجسم موضوع در ذهن تصویرگر، اولین مرحله برای عینیت بخشیدن به این تجسم از طریق طراحی اولیه انجام می‌گیرد که پایه و اساس ترسیم نیز محسوب می‌گردد و پس از آن، سحر جادوی رنگ است که به طراحی حس حیات و جاری بودن را می‌بخشد و با کمک دو عنصر طرح و رنگ می‌توان عینی‌ترین تصاویر هستی را به نمایش گذاشت؛ همان‌گونه که خداوند به وسیله این دو عنصر، مخلوقات چشم‌نوازش را به هستی ارزانی داشته است. به همین سبب، در ادامه به بررسی این دو رکن اساسی تصویرپردازی پرداخته می‌شود.

۴. قالب و طراحی اولیه

پایه اساسی در ترسیم یک نقش بر عهده طراحی اولیه آن است که شاکله نقاشی را شکل می‌دهد. خطوط صاف، ضخیم، نرم و حتی گرد می‌توانند نشان‌دهنده شخصیت بامزه، خوشحال و مهربان باشند. خطوط ناصاف، تیز، زمخت و ناهموار نشان‌دهنده شخصیت ناآرام و نامنظم هستند. طرحی که در آن از خط صاف بیش‌تری استفاده شده است، شخصیت قوی و باثبات‌تری را از خود نشان می‌دهد. شکل‌ها در شخصیت‌بخشی مؤثرند؛ به‌عنوان مثال: جنه ریز و کوچک، شخصیت فرز و چابک را به ذهن متبادر می‌کند و بدن قوی و تنومند، شخصیت قوی و مستحکم را مجسم می‌کند که در این راه نیز می‌توان از اغراق در تصویرپردازی بهره‌برد؛ به‌گونه‌ای که اگر شخصیت مورد نظر قوی است، در طراحی آن از ماهیچه‌های بزرگ استفاده کنیم و اگر ضعیف و نحیف است، به صورت تمسخرآمیزی آن را لاغر و باریک رسم کنیم.

منحنی‌هایی که انحناهای آن‌ها تغییر تدریجی دارد و در طبیعت نیز در اندام آهو و اسب و حیواناتی نظیر آن و نیز انسان دیده می‌شود، برای چشم انسان خوشایند است. تصویر سازان کتاب‌های درسی در کنار نقش‌حمایتی از مؤلفان و گردآورندگان مطالب کتاب‌های درسی، وظیفه بسیار مهم ارتقای متن را برعهده دارند. تصویرگران و ایده‌پردازان هنری به خاطر دید باز در مشاهدات پیرامونشان، می‌توانند با عنصر تصویر، به ساده‌سازی یا شرح متن بپردازند. تصویرساز معروف «Quentin Blake» تصویرسازی خوب را این‌گونه تعریف می‌کند: «چیزی که هم مکمل متن باشد و هم با آن فرق کند.» (سایت پویا اندیشه، ۱۳۹۸)

اما نباید فراموش کرد که نقش اصلی را نویسنده برعهده دارد و تصویرساز نباید زودتر از او برای بیان نکته آموزشی پیش‌قدم شود. تصویرگران کتاب‌های درسی باید افرادی دارای اندیشه و تفکر، اطلاعات وسیع و آشنا با فرهنگ و تاریخ و رفتار اجتماعی باشند.

۵. رنگ

رنگ‌ها به ذات دارای پیام‌هایی هستند که بخش بزرگی از این پیام‌ها توسط ضمیرناخودآگاه افراد درک و دریافت می‌شود و متخصصان حوزه تبلیغات با بهره‌برداری از این مزیت به تبلیغ پرآب‌ورنگ محصولاتشان می‌پردازند. اگرچه در ورق‌زدن اجمالی یک کتاب، تصاویر زودتر از نوشته‌ها به چشم می‌آیند؛ ولی در مشاهده تصاویر نیز رنگ‌ها اولین عناصری هستند که جلب توجه می‌کنند. رنگ دارای تأثیرات روانی و فیزیولوژیکی بر واکنش‌های انسانی است؛ بنابراین باید به عنوان یک عنصر مؤثر بر وجود انسان در نحوه بکارگیری آن دقت لازم به عمل آید. رنگ‌ها در پس‌ظاهر ملون خود دارای ماهیت درونی هستند که این ماهیت به دو گروه احساسی و ارزشی تقسیم می‌شود.

تأثیرات احساسی رنگ عبارتند از: گرم/ سرد، سخت/ نرم، سنگین/ سبک، قوی/ ضعیف و تأثیرات ارزشی رنگ عبارتند از: گران/ ارزان، ظریف/ زمخت، مردانه/ زنانه، مدپذیر/ بدون مد. ماهیت درونی احساسی رنگ، محسوس‌تر و ملموس‌تر از ماهیت

درونی ارزشی آن است و مردم ملل گوناگون توافق بیشتری بر روی آن دارند؛ به عنوان مثال می‌توان به رنگ قرمز، نارنجی و زرد اشاره کرد که گرم‌تر از رنگ‌های سبز و آبی به نظر می‌رسند و مردم با ملیت‌های گوناگون نظرهای مشابهی نسبت به آن دارند.

نقش رنگ در کتاب‌ها را می‌توان به سه نوع حسی، نمادین و ساختاری تقسیم کرد که تکیه بر روی هر کدام از این نقش‌ها، بر اساس میزان دریافت مخاطب قابل تغییر است.

نقش حسی: که دربردارنده ماهیت درونی و تأثیرگذاری رنگ بر ناخودآگاه انسانی است؛ هم‌چون: رنگ قرمز که سطح هیجانات افراد را بالاتر می‌برد یا رنگ آبی که آرامش‌بخش است.

نقش نمادین: هر چند در بسیاری از کشورها رنگ‌ها نماد عنصری واحد هستند؛ اما در پاره‌ای از موارد تفاوت‌هایی نیز در آن مشاهده می‌شود؛ مانند: رنگ سبز که نمادی از طبیعت است یا رنگ سفید که نماد صلح است.

نقش ساختاری: که به رنگ‌های متنوع اشیا یا پدیده‌های پیرامونمان اشاره دارد. رنگ‌ها می‌توانند به ابزار هویت یک شخصیت کمک کنند و باعث جذب مخاطبین شوند؛ مثلاً: رنگ‌های تیره مانند: مشکی، بنفش و توسی نشان‌دهنده تمایلات منفی و خصمانه هستند. رنگ روشن مانند: سفید، صورتی و زرد نشان دهنده پاک، اخلاص و مثبت بودن شخصیت‌اند و رنگ‌های قرمز، زرد و آبی ممکن است نشان‌دهنده شخصیت قهرمان باشند.

هم‌صحتی با گروه سنی نوجوانان، ما را در یافتن عواملی که موجب تحریک احساسات این افراد می‌شوند، یاری می‌رساند؛ اما در استفاده از رنگ نباید زیاده‌روی کرد؛ زیرا وجود طیف گسترده‌ای از رنگ موجب سردرگمی بیننده در مشاهده تصویر می‌شود و از تمرکز حواس او می‌کاهد؛ زیرا در یک زمان واحد با نقاط جذاب زیادی مواجه می‌شود. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بعضی از رنگ‌ها در کنار تأثیرات آنی و مثبتی که برجا می‌گذارند، مشاهده آنها در بازه زمانی زیاد، موجب تأثیرات منفی بر روی مخاطبین می‌شود؛ مانند رنگ قرمز که اگرچه در ابتدای امر جذاب و دل‌رباست، تماشای طولانی مدت زمینه صفحه‌ای به این رنگ، موجبات ایجاد اضطراب و پرخاشگری در فرد را تقویت می‌کند. درک رنگ توسط هر شخصی بر پایه موارد جدول هرم تجربه رنگ زیر انجام می‌گیرد و هر مورد تحت تأثیر مورد قبل از خود است.

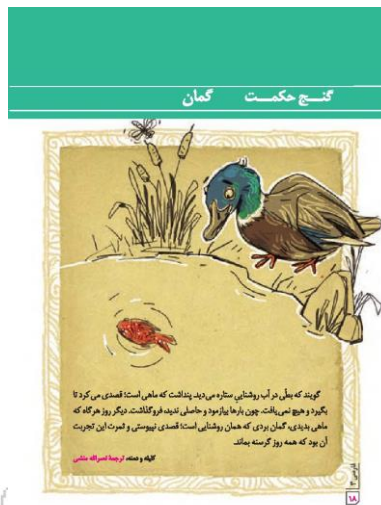


۶. تحلیل تصاویر

هر کتاب درسی دارای چهار عنصر اصلی اهداف، متن نوشتاری، تصاویر و تمرین است. در این میان متن نوشتاری همواره به عنوان محوری‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده محتوا در کتاب‌های درسی قلمداد شده است و اغلب کتاب‌های درسی متن‌محور هستند. از طرفی متن نوشتاری در بسیاری از کتاب‌های درسی هم‌چنین کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه اغلب توسط عناصر دیگر از جمله تصویر پشتیبانی می‌شود؛ چرا که تصاویر عناصری مکمل برای انتقال مطالب هستند که می‌توانند ارتباطات و اطلاعات ارائه شده در متون چاپی را به زبان دیگری بیان کنند، متن را وضوح بخشند، مطالب و موضوعات مشکل را تفکیک و دسته‌بندی کنند و فهم محتوای علمی را تسهیل کنند.

از این رو استفاده از تصویر، یکی از روش‌های متداول انتقال اطلاعات در کتاب‌های درسی شده است تا جایی که گاه تصویر نیمی از محتوای این کتاب‌ها را به خود اختصاص می‌دهند؛ اما میزان استفاده از تصاویر در همه موضوعات درسی یکسان نیست و البته می‌توان گفت تصاویر زمانی نقش خود را نیز به خوبی ایفا می‌کنند که در استفاده از آن‌ها ملاک‌هایی رعایت شود، از جمله اینکه این تصاویر باید با متن همپوشانی و ارتباط منطقی داشته باشند و اطلاعات متجانسی را ارائه کنند.

در این پژوهش به دلیل متعدد بودن تصاویر کتاب فارسی دوازدهم و گسترده شدن بیش از حد مطلب در صورت پرداختن شدن به تک تک آن‌ها، تنها به بررسی و تحلیل بخشی از این تصاویر توجه شده. اما در این میان سعی شد تا تصاویر منتخب برگزیده‌ای از میان سبک‌های گوناگون تصویرپردازی و عکاسی باشد.



در بخش گنج حکمت در حکایت «گمان»، تصویرپرداز حالت انفعال بط را در شکار نکردن ماهی به زیبایی به تصویر کشیده است.

بطی که با حالتی بی تفاوت به ماهی درون برکه - که به گمانش همان روشنایی ستاره است - نگاه می‌کند. خطوط پیرامون ماهی به صورتی مناسب، موج ایجاد شده توسط حرکت ماهی را نشان می‌دهد و به ماهی حرکت بخشیده است. صفحه‌آرا به خوبی متن را در بطن تصویر نشانده و موجب شده است که متن نیز جزیی از تصویر باشد. و رنگ تیره موجود در طراحی به زیبایی با متن درون تصویر ترکیب شده است.

سادگی تصویر در رنگ و جزئیات موجب تمرکز حواس دانش‌آموزان به روایت تصویر شده علف‌های و گیاهان «لویی» سبز شده در کنار برکه و پرواز سنجاقک بر بالای آن موجب نزدیکی هر چه بیشتر احساس بیننده با برکه شده است.

دستر زمانه	آزادی	درس سوم
<p>برگزیدم برای کم دیش فست داشت در بخت زد نقشه بخش از قسم در بختگاه اصل خود نیست محرم با آذوقه بهم سن ابل می‌تی است انصاف و صلح داشت موافق بی بی چون رفتی موافق ثبت قوم داشت</p> <p>کوی داشت هم که نمیش کم داشت بر چی که مردم صاحب قم داشت بر کوی که کوی صاحب را محرم داشت با آذوقه است که بختی حس داشت چون رفتی موافق ثبت قوم داشت</p> <p>دیوان شاعر: فرخی بوی</p>	<p>سبک مرغ گدازه خس هم به من است نبرد از بی، نظیر که غلاب بن است بناوی که بر کس کند، مثل من است ز انبک دران مثل آن نادر کس از آن است بد آن چند که گشت تن کم در کس است گشت امروز چنین کرد که به ابر من است</p> <p>نادر امیر این جو بر من است بخت از به حس می‌گم که برود کلوی ای هم جان، در ده آدای گوش زاده‌ای که شو از دست اینج آب بنداری که شو غم‌سوز به من بر من گش که کی که در این گشت سلیک کردیم</p> <p>دیوان شاعر: ابوالقاسم عارف قزوینی</p>	

در درس سوم انتخاب تصویر پرواز کبوتران برای اشعار دوره مشروطه که مملو از جانمایه آزادی و برابری‌اند، مناسب و منطقی می‌باشد؛ کبوتران سفیدی که در دنیا به عنوان نماد صلح‌اند و پرواز آن‌ها نشانه آزادی است. پرزدن این پرندگان در زمینه آبی که القاکننده آرامش به آدمی است و پروازشان به سمت زمینه سفیدرنگ تصویر که رنگ صلح محسوب می‌شود، مناسب و هوشمندانه است.

وجود تونالیت رنگ یا رنگ‌های تک‌فام بر تأثیر حسی تصاویر می‌افزاید. نشان دادن اوج گرفتن پرندگان از زیر بال‌هایشان و قرار دادن جهت پروازشان به سمت حاشیه‌های دو سوی کتاب و خارج شدن بخشی از تنه یکی از آنها تأثیر عمیقی بر انتقال حس آزادی می‌گذارد؛ اما اگر در تصویر این دو صفحه از کپی پرواز کبوتران استفاده نمی‌شد و یا تنظیم تصویر به گونه‌ای بود که کپی بودن آنها به چشم نمی‌آمد، بدیع بودن هر دو تصویر، دل‌نشینی بیشتری به این صفحات می‌بخشد.

شاید یکی از علل این کار ایجاد حس تعادلتوسط ایجاد تقارن در تصویر باشد؛ ولی باید در نظر داشت که حس تعادل در تصویر صرفاً محدود به تکرار تصویر یا انعکاس تصویر در دیگر سوی صفحه نیست



در گنج حکمت حکایتی با عنوان «خاکریز» به ابتکارات خاکریزی جبهه‌های نبرد توسط سردار جهادگر شهید حاج هاشم ساجدی، فرمانده مهندسی رزمی قرارگاه نجف اشرف پرداخته شده و تصویر این شهید و زمینه متن با موقعیت-شناسی و حسن سلیقه تصویرپردازی با رنگ خاکی رنگ‌آمیزی شده است.

تجسم این شهید به صورت کوهی که از ابرها فراتر رفته، نشان‌دهنده خلاقیت گروه تصویرپردازی است؛ اما توجه به نکات ظاهری این شهید مخصوصاً در جزئیات دهان و بینی می‌توانست بر زیبایی این تصویر بیفزاید.

تصویر بیل‌های مکانیکی که بر روی تپه‌ها مشغول خاک‌برداری هستند، به خاطر حضور نداشتن اکسسوری مرتبط با جنگ، میدان نبرد را به ذهن متبادر نمی‌کند. در صورتی که با توجه به روایت این بخش، می‌توان ارتفاعات «کله‌قندی» شهر مهران و استقرار یگان‌های دشمن را به تصویر کشید؛ یا از طریق تصاویر متعددی که از اقدامات سنگرسازان بی‌سنگر جبهه‌های نبرد به یادگار مانده، تصویر مناسبی را که دربردارنده آن فضا باشد، انتخاب کرد. در این تصویر برخلاف روایت گنج حکمت نشانی از خاکریز احداث شده به چشم نمی‌آید.



برای شعر «دماوندیه» انتخاب هر تصویری که دربردارندهٔ عکسی از دماوند نباشد، انتخابی نامناسب محسوب می‌شد؛ زیرا مخاطب این شعر در نگاه اول، جز کوه دماوند نیست.

تونالیت و تغییر آهسته و متناسب رنگ آبی به سفید چشم‌نواز و همسو با هدف آزادی‌خواهی شاعر است و وجود تصویری واحد که در دو طرف صفحه جای گرفته دو سوی صفحه را به هم متصل کرده‌است.

صفحه‌آرا به خوبی تصویر کوه دماوند را در دوسوی صفحه نشانده و با دقت نظر با قرار ندادن قلّه این کوه در شیرازهٔ کتاب از جلوه‌گری آن در تصویر حفاظت کرده‌است؛ ولی اگر با توجه به متن شعر از تصویر ابرهای پراکنده در نوک قلّه بهره می‌برد، به هماهنگی تصویر با متن شعر کمک بیش‌تری می‌کرد. درکنار این مورد اگر دامنه‌های صخره‌ای را نیز به تصویر می‌کشیدند، با متن قرابت بیش‌تری پیدا می‌کرد.

یکی از راه‌های مناسب و کم هزینه برای دستیابی به تصاویری با این مشخصات، برگزاری مسابقات عکاسی با تعیین شاخص‌های تصویری مورد نظر ماست که احیای این مسابقات توجه مسئولین بالادستی را می‌طلبد.



در متن روان‌خوانی «جاسوسی که الاغ بود!» ترسیم صورت نازاضی الاغ و اغراق در گوش‌هایش مناسب است. ولی رنگ تیره استفاده شده در کل تصویر مخصوصاً در لباس رزمندگان نشان دهندهٔ تمایلات خصمانه و منفی است تا نشان‌دهندهٔ یک شخصیت قهرمان و دارای خلوص.

رنگ‌آمیزی چهرهٔ آن‌ها بیش‌تر سربازان بعثی را به یاد می‌آورد تا رزمندگان بسیجی گردان صابرین (قاطرزیه) را. برای جبران القای این حس که از رنگ‌آمیزی تصویر حاصل می‌شود؛ می‌توان از پس زمینهٔ آبی آسمان یا آشیایی با رنگ‌های روشن برای نشان دادن صفای افراد درون تصویر بهره‌برد.

ترسیم شدن صحنه‌های متنوعی از بخش‌های گوناگون کتاب با این شیوه و سبک طراحی، ضروری نیست؛ زیرا شخصیت و سیر روایت هر درس با هم تفاوت بسیار زیادی دارند و به همین دلیل نباید به دنبال رعایت انسجام و یکنواختی در تمام جزئیات تصویریمان باشیم.

وقتی در پاریس بودم، یک روز تماشای آبی پاریز به پاریس، به نام من رسید. نامه را آقای هدایت‌زاده، معلم کلاس سوم و چهارم ابتدایی، من، برآم نوشته بود به یاد گذشته‌ها و خاطرات پاریز و خواندن بنویسان و یکروزه‌ها.

این معلم شریف، پاسوا سفارش کرده بود که اگر سر سفر و یکروزه‌ها و یکروزه‌ها را جانب او فایده‌های برای این نوشته بزرگ طلب کنم این نامه مرا به فکر انداخت. متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است که فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دورافتاده ایران مثل پاریز، هم فرارده است. کاری که نه سینه ناپلئون می‌توانست کند و نه نیروی شازمانی و نه ساختاری‌های دولتی.

از پاریز تا پاریس، مشهد ارمغان باستانی پاریز



برای این درس از کتاب که روایتگر بخشی از زندگی و سفر محمدابراهیم باستانی پاریزی است، انتخاب تصویری از دو سوی عالم در یک قاب، مناسب و منطقی است؛ تصویری که از زادگاه این محقق شروع می شود و به مقصد تحصیلاتی اش پاریس ختم می شود. اما توجه به این نکته ضروری است که تصاویر باید بازتاب هدف و گویای پیام تصویرگران خود باشند. هرچند تصویر برج ایفل که نمادی از کشور فرانسه و شهر پاریس است، برای بیش تر افراد شناخته شده است؛ اما تصویر کوه «شاهخیرالله» که برای مردم و اهالی این منطقه و عشایر پیرامون آن نام آشنا است، برای بیش تر ایرانیان ناشناخته و مهجور است و استفاده از تصویر این کوه به تنهایی نمی تواند از عهده انتقال بار پیام تصویر برآید.

برای جبران این نقص در حال حاضر می توان از پس زمینه نقشه ایران که شهر پاریز در آن بازنمایی شده باشد، استفاده کرد و در دراز مدت با کمک رسانه های جمعی آداب و رسوم و تاریخچه مربوط به مکان و موقعیت جغرافیایی آن را به دیگر هموطنان معرفی کرد.



در تصویر درس «کویر» نوشته دکتر علی شریعتی، برخلاف توصیف زیبای مؤلف از کویر و فضای غالب آنجا، شاهد تصویری با رنگ آمیزی تیره هستیم که بیش تر حس سرخوردگی و یأس را منتقل می کند تا احساس ذوق و شغف نویسنده از زیبایی های کویر را. محصور بودن خانه های آن در دیوارهای خشتی این برداشت منفی را پررنگ تر می کند. هر چند تصویر نقاشی شده از یکی از مناظر واقعی این منطقه برداشت شده است، اما بازخورد این تصویر گویای حس و حال توصیف گر متن نیست.

در این درس بیش تر از توصیف مناظر خودساخته ای نظیر ساختمان ها، به توصیف پدیده های طبیعی همچون آسمان پرداخته شده و به زیبایی از تماشای آسمان کویر در شب برداشتی معرفتی صورت گرفته است.

اگر در این درس از نمونه عکس های آسمان پر ستاره کویر استفاده می شد، به نزدیکی حس خواننده به نویسنده کمک بیش تری می کرد؛ زیرا در ورای توصیف ظاهری آسمان، شاهد برداشتی متفاوت از دریچه نگاه دکتر شریعتی هستیم.



گفتند: «خوبی نباید بماند»
گفتند: «فرست خوابین هست»
خسته بودند شب قبل خوابیده بودند، بران بی ایمان باره بود و سگرها را آب برداشته بود.
گفتند: «فرست چونی شاد باشد تا سرخواب نباید شد، خواب را موزمه کند، بچند وای
سر خوابید، آستاده با شسته بخوابد آن چنان که بی کمترین سدا برخیزد نه امشب فقط که



یکی از عوامل منفی که ارتباط بصری و یا به طور کلی هنر را تهدید می‌کند، ایجاد حالت کسالت‌بار و یکنواخت در آن است. چشم و ذهن، ضمن علاقه به هارمونی و هماهنگی، به محرک و عوامل تهییج‌کننده نیز نیاز دارد و از مؤثرترین عوامل محرک چشم‌ها در تصویرپردازی استفاده از رنگ‌ها است. طبق بررسی انجام شده در کتاب فارسی پایه دوازهم، از مجموع ۹ تصویر نقاشی شده در آن که کل فضای یک صفحه کتاب را به تنهایی به خود اختصاص داده‌اند، تنها در دو تصویر شاهد تنوع رنگ هستیم و در بقیه تصاویر صرفاً از رنگی تیره استفاده شده که جدا از حالت یکنواختی که ایجاد کرده، هویت‌بخشی شخصیت‌های تصویری را نیز دچار اشکال کرده‌است.

برای نمونه در تصویر سمت راست که در روان‌خوانی «بوی‌جوی‌مولیان» استفاده شده‌است، نمی‌توان در آن توصیف پرآب‌ورنگی را که نویسنده از زندگی عشایر در دل طبیعت مد نظر داشته‌است، مشاهده کرد. در صورتی که آقای محمد بهمن‌بیگی در جای‌جای متن انتخاب‌شده از عبارت‌هایی نظیر: گل‌های رنگارنگ، سفره رنگین، تصدیق‌های پررنگ و... استفاده کرده‌است. در تصویر طراحی‌شده برای این بخش، می‌توان با بهره‌گیری از رنگ، به محیط پیرامون عشایر حاضر در تصویر، جان دوباره‌ای بخشید. البته در تصویر سمت چپ که در درس «آن شب عزیز» آمده، خطوط نازکی که در طراحی استفاده شده، توانسته کمی از حالت منفی را که از استفاده رنگ‌های تیره حاصل می‌شود، تعدیل کند.



در شعرخوانی «ای میهن!» سروده ابوالقاسم لاهوتی که بیانگر عشق او به ایران است، از تصویر برج میدان آزادی تهران، به عنوان نماد ایران استفاده شده‌است؛ اما باید به این نکته توجه داشت که برخی از نمادها در طول زمان تغییر ماهیت می‌دهند و این اتفاق در طول چند دهه گذشته برای برج آزادی رخ داده‌است. این برج پیش از انقلاب و پس از آن به عنوان نمادی از پایتخت شناخته می‌شد؛ اما پس از ساخت برج میلاد، به واسطه بازتاب رسانه‌ای آن، از آوازه برج آزادی کاست؛ به گونه‌ای که برای نسل حال حاضر ایران، نام تهران متبادر کننده برج میلاد به عنوان شاخصه تصویری‌اش می‌باشد.

اگر چه برج آزادی در تمام دنیا به عنوان نماد ایران شناخته می‌شود، اما در این کتاب درسی که برای دانش‌آموزان ایرانی تهیه شده، این تصویر در خوش‌بینانه‌ترین حالت، صرفاً نماد شهر تهران محسوب می‌شود و بهتر بود برای این شعر از ادغام تصاویر گوناگون اماکن معروف ایرانی در نقاط مختلف کشور استفاده می‌شد یا شاهد ادغام تصاویر مردم با لباس محلی‌شان بودیم.

۷. نتیجه‌گیری

تصویر یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرایند یادگیری - یاددهی است که از دیرباز در کتاب‌های آموزشی از آن استفاده شده است. برخی کتب آموزشی تاریخ ادبیات نیز با استفاده از تصویر، یادگیری مسائل تاریخی را ملموس‌تر و عینی‌تر می‌کنند. اما تصویر موقعی به یادگیری متن کمک می‌کند که تنها تزئین‌گر کتاب نباشد، بلکه گسترش‌دهنده متن باشد و این امر، تنها با رعایت استانداردهای تصویر آموزشی در یک کتاب امکان‌پذیر است. از این رو، شناخت این استانداردها و رعایت آن‌ها اهمیت فراوانی دارد. یکی از روش‌های یادگیری دیدن تصاویر است. انسان‌ها با نگاه کردن به عکس‌ها، طرح‌ها و تصاویر، آن‌ها را به ذهن منتقل، و به صورت تصویر در مغز بایگانی می‌کنند.

زبان تصویر قادر است موثرتر از هر وسیله ارتباطی دیگر، دانش بشر را نشر دهد. بی شک استفاده از تصویر در درس ادبیات اهمیت فراوانی دارد، چرا که تصویر می تواند همچون پلی، حال را به گذشته وصل کرده و سبب شود که دانش آموز با دیدن تصویر اشخاص، اماکن و یا وقایع تاریخی، در کنار متن ها و شعرها، آن ها را در ذهن مجسم کرده و به شکل ملموس، مطالب را بهتر و سریعتر یاد بگیرد. استفاده از تصویر در صورتی امر آموزش را تسهیل خواهد کرد که استاندارد های تصویر آموزشی را خوب رعایت کرده باشد و با متن کتاب درسی متناسب بوده، برای دانش آموز جذاب باشد و متناسب با اهداف آموزشی به کار رفته باشد.

کتاب های درسی به خاطر آموزش نسل آینده ساز هر جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردارند؛ به گونه ای که انتخاب ماهیت مطالب درون این کتاب ها بر اساس سیاست های نظام و مطابق با فرهنگ آن کشور انجام می گیرد و سودمندترین راه برای انتقال بهتر مفاهیم گنجانده شده در کتاب و به ویژه کتاب های درسی، هماهنگ ساختن تصاویر و متن آنها است؛ زیرا تصاویر به خاطر زبان گویای خود می توانند در کنار جلوه بخشی به کتاب های درسی به فهم مطالب کتاب نیز کمک شایانی کنند. ما زمانی دارای مطلوب ترین تصاویر درسی خواهیم بود که این تصاویر بر اساس برداشت صحیحی از متن و بر پایه اصول تصویرگری تهیه شده باشد و در کنار بهره وری از شیوه عکاسی بتوانیم از عنصر طرح و رنگ در نمایش خواسته ها و ایده های خود کمک بگیریم و از ترکیب عناصر طرح و رنگ، مقصود خود را محقق کنیم.

منابع

- ۱- آرمنند، محمد؛ ملکی، حسن، *مقدمه ای بر شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی*، چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
- ۲- آرمنند، محمد، «نقش تصویر در کتاب های درسی و اصول طراحی آن»، *مجله سخن* سمت، ۱۳۸۴، شماره ۱۵، صص ۶۸-۵۹.
- ۳- افتخارنژاد، فاطمه؛ نیلی احمدآبادی، محمدرضا؛ امیر تیموری، محمدحسن؛ اویسی، نرجس خاتون، «تأثیر دوره آموزشی سواد بصری در تجزیه و تحلیل تصاویر آموزشی»، *مجله فناوری آموزش و یادگیری*، ۱۳۹۴، شماره ۴، صص ۱۵-۱.
- ۴- افشار مهاجر، کامران، *عملکرد گرافیک در کتاب های درسی دانشگاهی*، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- ۵- عسگری، فاطمه؛ اقبالی، پرویز، «تجلی نمادهای رنگی در آیین هنر اسلامی»، *مجله جلوه هنر*، ۱۳۹۲، شماره ۹، صص ۶۲-۴۳.
- ۶- قدوسیان، احمد؛ قاسمی برقی، رضا، *مبانی و کاربرد تکنولوژی آموزشی در ارتقای سلامت*، چاپ اول، قزوین: بحرالعلوم، ۱۳۸۱.
- ۷- کمالی نهاد، علی اکبر، «آمیزش تصویر و روایت»، *مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی*، ۱۳۹۰، شماره ۹۲، صص ۴۱-۴۰.
- ۸- گروه مؤلفان، *فارسی ۳ (کتاب درسی پایه دوازدهم)*، تهران: سازمان چاپ و توزیع کتب درسی، ۱۳۹۷.
- ۹- گروه مؤلفان، «ویژگی ها و اصول تصویرگری کتاب آموزشی»، دفتر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۸۳، شماره ۲۶، صص ۳۷-۱.
- ۱۰- نیک نفس، سعید؛ علی آبادی، خدیجه، «نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش و طراحی کتاب های درسی»، *مجله جهانی رسانه*، ۱۳۹۲، شماره ۱۶، صص ۱۵۰-۱۲۴.
- ۱۱- نکات مربوط به اصول طراحی کاراکتر، <https://pouyaandish.com/tarahi-character>.
- ۱۲- *مصاحبه حضوری* با تصویرگران محترم کتاب های درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی کتب درسی وزارت آموزش و پرورش.